

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: تأکید پیامبر اسلام بر جاودانگی واقعه غدیر خم

۱۳۹۶/۰۶/۰۱

سخنرانی بنیاد غدیر شیراز

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با غدیر سخن برای گفتن زیاد است. شاید در یک یا دو جلسه نشود آن طور که زینده است

حق مطلب ادا شود و بشود در رابطه با غدیر سخن گفت، اما:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

لذا بنده چند موضوعی که به نظرم موضوع محوری است خدمت بزرگواران عرض می‌کنم. واقعه غدیر از زوایای

مختلف قابل بحث و بررسی است، زیرا دارای محور اثباتی و محور دفاعی است.

نکته اول در محور اثباتی این است که ببینیم در غدیر چه گذشته است و هدف نهایی آن مجتمع باشکوه غدیر با

آن مقدمه چینی که نبی مکرم اسلام برای آن داشتند، چه بوده است؟

رسول گرامی اسلام تلاش کردند هرآنچه که می‌توانند از مهاجرین، انصار و دیگر صحابه‌ای که بعد از فتح مکه به

صفوف مسلمانان پیوسته‌اند در این همایش بزرگ حضور پیدا کنند. آن بزرگوار مقید بودند که تمام همسرانشان

در این سفر، ایشان را همراهی کنند.

طبق آنچه بنده اطلاع دارم این سفر، اولین سفر رسول گرامی اسلام است که مقید هستند تمام همسرانشان در این سفر در معیت نبی مکرم اسلام باشند.

این در حالی است که در سفرهای قبل با قرعه کشی یا انتخاب رسول گرامی اسلام یکی از أمهات المؤمنین در معیت نبی گرامی اسلام بود. بنابر آنچه از قول حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) نقل می‌شود:

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حَمٍّ لِأَخِي عُدْرًا؟!»

آیا پدرم در روز غدیرخم برای کسی عذری هم گذاشت؟!!

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۰،

ص ۱۲۴، ح ۲

بنابراین هدف نهایی از غدیر اتمام حجت پایانی و نهایی است که عذری برای هیچیک از شاهدین صحنه همایش بزرگ غدیر نماند.

نکته دوم این است که همان‌طور که عزیزان در پرده ملاحظه می‌کنند در قسمت سمت راست نکات اثباتی هست. حدیث غدیر، امامت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، کثرت طرق و روایات حدیث غدیر مطرح شده است.

با وجود اینکه حدیث غدیر، ۱۱۰، یا ۱۲۰ و یا ۱۲۴ راوی دارد ما معتقدیم مظلوم‌ترین و غریب‌ترین حدیث، حدیث غدیر است. بنا به نقل «حلبی» از میان صد و بیست و چهار هزار نفر، ۱۲۴ نفر حدیث غدیر را نقل کردند؛ یعنی از هر هزار نفر یک نفر حدیث را نقل کرده است!!

ولی همین مقدار هم برای قطع عذر نسبت به کسانی که دنبال بهانه می‌گردند هم کافی است.

حدیث غدیر در صحاح سنن، دلالت حدیث غدیر بر امامت، خطبه غدیر در منابع شیعه و سنی و احتجاج معصومین به حدیث غدیر، از دیگر عناوین قسمت اثباتی جریان غدیر هست.

در قسمت دفاعی، شبهه‌ای که «ابن تیمیه» در صحت حدیث غدیر دارد و اینکه امروزه وهابیت در رسانه‌ها و فضای مجازی در این هفت، هشت سال اخیر روی این مسئله تحت عنوان "افسانه غدیر" خیلی مانور می‌دهند.

در این شبهه انگیزه اساسی حدیث غدیر، اختلاف امیرالمؤمنین با سپاه خود در یمن بوده است که موجب رنجش سپاه شده بود. نبی گرامی اسلام در منطقه جحفه فرمودند: "ای مردم! علی بن ابی طالب انسان خوبی است، از او ناراحت نباشید!!"

رسول گرامی اسلام با این سخن، کدورتی که از امیرالمؤمنین در قلوب صحابه بود را برطرف کردند. در حال حاضر وهابیت روی این شبهه بیش از هر شبهه‌ای تکیه دارند.

نکته دیگر که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چرا ولایت امیرالمؤمنین در مکه صورت نگرفت با وجود اینکه در آنجا زمینه بیشتر فراهم بود.

نکته بعدی روی کلمه مولاست؛ وهابیت سؤال می‌کنند که آیا این کلمه دلالت بر ولایت دارد یا محبت؟!

نکته دیگر اینکه بعضی از آقایان ادعا می‌کنند که اصلاً امیرالمؤمنین در غدیر خم حضور نداشتند!! این افراد به جای اینکه مسئله را حل کنند، صورت مسئله را پاک می‌کنند.

«ابن تیمیه» و پیروان او می‌گویند: "اگر قسمت اول حدیث غدیر، یعنی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» صحیح باشد، قطعاً: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» صحیح نیست و این روایات را شیعیان به حدیث غدیر افزوده‌اند.

به نظر من می‌شود روی تک تک این سرفصل‌ها ساعت‌ها صحبت کرد. اجازه بدهید بنده در رابطه با خود خطبه غدیر چند دقیقه‌ای خدمت شما بزرگواران باشم، سپس پیامی که خطبه غدیر دارد را بیان کنم.

خطبه غدیر در کتب شیعه خطبه‌ای است که مرحوم «طبرسی» در کتاب «الإحتجاج» آورده و خطبه‌ای مفصل در ۶۰ صفحه است. ایشان در این کتاب مطالب مختلفی دارد گرچه تک تک این مطالب در کتب اهل سنت هم آمده است.

به نظر حقیر، این مطالب از نظر سندی اتقان و قوت زبینه غدیر را ندارد. حال ما نمی‌خواهیم بگوییم سند ضعیف و جعلی است. در حال حاضر ما حدود ۱۵ سال است که افتخار داریم هم عضو هیئت امناء و هم عضو هیئت مدیره بنیاد بین المللی غدیر هستیم.

در زمان حیات حضرت آیت الله خزعلی دوستان خواستند خطبه غدیر را چاپ کنند، بنده هم اشکال سندی کردم و هم اشکال دلالتی کردم. زیرا بعضی از فرازهای خطبه ی مفصل با سیاست وحدتی که نظام جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری دارد همخوانی ندارد.

بزرگواران همگی حرف مرا تأیید کردند که اگر قرار است این خطبه چاپ شود، خطبه‌ای را که مرحوم «شیخ صدوق» در کتاب «خصال» دارد چاپ شود. با اینکه این خطبه یک صفحه و نیم، دو صفحه بیشتر نیست، ولی از آن خطبه‌هایی است که می‌گویند: در خانه اگر کسی است، یک حرف بس است!!

سند این روایت صحیح است، بلکه به تعبیری صحیحه اعلائی است. یعنی تمام روایات این خطبه از روایات متفقاً علیه به ثقات نزد علمای رجال شیعه است.

حدود ۱۲ سال قبل روزنامه افق می‌خواست برای طلبه‌ها مسابقه‌ای بگذارد که بنده در جلسه‌ای که از این بابت تشکیل داده بودند جزو مدعوین بودیم. زمانی که صحبت شد همه متقاعد شدند خطبه‌ای که «شیخ صدوق» نقل کرده برای حفظ و مسابقه مطرح شود.

در کتاب «خصال» اثر «شیخ صدوق» چاپ جامعه مدرسین با تحقیق جناب آقای «غفاری» (رضوان الله تعالی علیه) آنچه نیاز است که ما در غدیر مطرح کنیم بیان شده است. اگر ما بخواهیم در چندین جلسه فرازهای خطبه غدیر را مطرح کنیم آمده است. راوی اول خطبه «محمد بن حسن ولید» است که او را:

«ثقة ثقة»

کشف الأسرار فی شرح الإستبصار، نویسنده: السید نعمة الله الجزائري، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۱

گفته‌اند. راوی بعدی «محمد بن حسن صفار» صاحب کتاب «بصائر الدرجات» است که او را:

«ثقة عظیم القدر»

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة (ع)، نویسنده: الحر العاملی، ج ۸، ص ۵۵۲، ح ۱۲

می‌گویند. راوی دیگر «محمد بن حسین ابی الخطاب» است که او را:

«عظیم القدر، کثیر الروایة»

جوابات أهل الموصل، نویسنده: الشیخ المفید، ص ۱۹، پاورقی ۵

گفته‌اند. راوی دیگر «یعقوب بن یزید» است که او را:

«ثقة صدوق»

مستطرفات السرائر «باب النوادر» (موسوعة ابن إدريس الحلبي)، نویسنده: ابن إدريس الحلبي، ص ۱۹۲،

پاورقی ۴

می‌گویند. راوی پنجم «محمد بن ابی عمیر» یکی از مشایخ بزرگ و مفاخر شیعه است. راوی دیگر «عبدالله بن سنان» است که ثقه بودن او متفقٌ علیه است.

راوی بعدی «معروف بن خربوذ» است که جزو اصحاب اجماع است. راوی بعدی «ابو طفیل» است که صحابی پیغمبر اکرم است و مورد تأیید فقهای شیعه است.

بنابراین هشت راوی که در سند خطبه غدیر «شیخ صدوق» آمده همگی بالاتفاق مورد وثوق است و هیچ مشکلی ندارند. «حذیفه» هم به همین شکل است.

در این خطبه چند نکته وجود دارد که من تنها به یکی، دو فراز آن اشاره می‌کنم. رسول گرامی اسلام در ابتدای خطبه می‌فرماید:

«وَكَاثِي قَدْ دُعِيْتُ فَأَجَبْتُ»

البته این تعبیری که در اینجا وجود دارد، در خطبه غدیر که اهل سنت نقل کردند از جمله کتاب «معجم الأوسط» اثر «طبرانی» هم وارد شده است. البته طی تحقیقاتی که بنده داشتم، قبل از «طبرانی» کسی خطبه‌ای به نام خطبه غدیر در کتاب خود نیاورده است.

البته حدیث غدیر در چندین سطر وجود دارد، اما خطبه به معنای سخنرانی است که تا قبل از کتاب «طبرانی» بنده مشاهده نکردم. رسول گرامی اسلام اگر پانزده دقیقه هم سخنرانی کرده باشند و کسی پیاده کند حدود هشت صفحه خواهد شد.

بنده تمام آنچه را که اهل سنت دارند از قبیل کتاب‌های روایی و تاریخی همانند کتاب «طبقات ابن سعد» متوفای ۲۳۰ هجری که قضایا را به طور مفصل مطرح می‌کند که نزدیک ۷۰ سال قبل از «طبری» است، من این مطالب را در آنجا ندیدم، «صحاح» هم که الحمدلله خالی است، «مسند أحمد» هم که سی هزار روایت نقل کرده استف خطبه‌ای به نام غدیر ندارد.

اولین کسی که این خطبه را نقل کرده آقای «طبرانی» متوفای ۳۶۰ هجری یکی از اعیان قرن چهارم است و بعد از «طبرانی» هم بنده ندیدم کسی از اهل سنت این خطبه را نقل کرده باشد. تا قرن یازدهم و دوازدهم که «حلبی» در «سیره حلبیه» همین خطبه را نقل می‌کند.

حال چه رمز و علتی بوده که این خطبه در کتب اهل سنت نیامده داستان مفصلی دارد. «احمد بن حنبل» خدمت بزرگی به شیعه و امیرالمؤمنین کرده است، زیرا تا زمان او بحث تربیع مطرح نبود.

تا قبل از آن همیشه نام ابوبکر، عمر و عثمان مطرح می‌شد و نامی از امیرالمؤمنین برده نمی‌شد. نام امیرالمؤمنین به عنوان خلیفه چهارم اولین بار از زبان «احمد بن حنبل» مطرح شده است. عبارت مشهوری از «احمد بن حنبل» وارد شده است که می‌گوید:

«من لم یریح بعلی فی الخلافة فهو أضل من حمار أهله»

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی، دار النشر: مؤسسة قرطبة -

۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۱، ص ۵۳۷

وقتی که از «احمد بن حنبل» در مورد حدیث غدیر سؤال می‌کنند، می‌گوید: "خیلی زیاد روی حدیث غدیر حرف نزنید و درباره معنای حدیث غدیر صحبت نکنید، دلالت حدیث غدیر را مطرح نکنید و این حدیث را رها کنید."

ما نمی‌خواهیم بگوییم این شخص از روی عناد چنین حرفی را زده است. گرچه عناد در بسیاری از قضایا کاملاً محرز است، اما جو حاکم در آن عصر شاید برای ما قابل تصور نشود.

در جامعه‌ای که به تعبیر «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء»، «مزی» در کتاب «تهذیب الکمال» و «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تهذیب التهذیب»:

«کانت بنو أمية إذا سمعوا بمولود اسمه علي قتلوه»

بنی امیه وقتی می‌شنیدند نوزادی علی نام دارد او را می‌کشتند.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج ۵، ص ۱۰۲، ح

۳۵ علی بن رباح

در جو آن زمان مشخص است که نمی‌شود درباره حدیث غدیر و فضائل امیرالمؤمنین مطالبی بیان کرد.

زمانی که «ابن سقاء» بالای منبر می‌رود و درباره فضائل حضرت امیرالمؤمنین حدیث طیر را مطرح می‌کند، او را از منبر پایین می‌آورند و کتک می‌زنند و منبر را آب می‌کشند و می‌گویند که منبری که فضائل امیرالمؤمنین در آن مطرح شود نجس است!!!

ما باید آن جو را هم در نظر بگیریم و شاید بعضی از محدثین بزرگ اهل سنت همانند «بخاری» که اصلاً و ابداً نه به صراحت، نه به کنایه و نه به اشاره حدیث غدیر را مطرح نکرده است، تحت تأثیر جو حاکم بوده است. و یا «مسلم» که به تعبیر «علامه امینی» این حدیث را به صورت ابتر مطرح می‌کند.

جو حاکم آن زمان شاید برای ما قابل درک و هضم نباشد. لذا حدیث غدیر فراز و نشیب‌های زیادی در تاریخ داشته است. به طوری که بعضی از بزرگان اهل سنت همانند «شعبی» و دیگران می‌گویند:

«ما لقينا من علي بن أبي طالب إن أحببناه قتلنا، وإن أبغضناه هلكنا»

علی بن ابی طالب برای ما معظلی شده است، زیرا اگر او را دوست داشته باشیم گردن ما را می‌زنند و اگر او را دشمن داشته باشیم هلاک می‌شویم.

ربیع الأبرار، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفى: ٥٣٨

هـ)، ج ١، ص ٧٨

بزرگان، شخصیت‌های برجسته و علمای درباری اهل سنت چنین مطالبی بیان می‌کنند. بعضی از بزرگان اهل سنت زمانی که حدیث غدیر را مطرح می‌کنند، می‌گویند: در منابر شام علی بن ابی طالب را سب می‌کنند و شما در مورد حدیث غدیر صحبت می‌کنید!!

اگر بنده فرصت داشته باشم اشاراتی به فشارهایی که در جامعه آن زمان روی حدیث غدیر وجود داشت خواهم کرد.

اولین کسی که خطبه غدیر را مطرح می‌کند آقای «طبرانی» است که در جلد ششم از کتاب «معجم الأوسط» این خطبه را مطرح می‌کند. او در کتاب «معجم الکبیر» خود این خطبه را مطرح نکرده است با وجود اینکه آقایان معتقدند «معجم الکبیر» از نظر سند اتقان بالایی دارد.

آقای «طبرانی» به روایاتی که در کتاب «معجم الکبیر» آورده عنایت ویژه‌ای داشته است، به طوری که این عنایت ویژه در کتاب «معجم الأوسط» و «معجم الصغیر» او وجود ندارد.

ایشان ۵۰؛ ۶۰ درصد از مضامین، فرازاها و تعابیری که در خطبه مرحوم «شیخ صدوق» وجود دارد را در کتاب خود آورده است. آنچه در این خطبه هست و بنده می‌خواهم به عنوان نکته‌ها و پیام غدیر می‌خواهم خدمت عزیزان عرض کنم چند فراز است.

اگر ما روی این فرازاها تکیه داشته باشیم مخصوصاً برای عموم مردم زیبنده است. جمله اول این است:
"گردآوری تمام حاجیان به جهت این بود که تمام آنان سخنان پیغمبر اکرم را بشنوند، حجت بر آنان تمام شود و هیچگونه بهانه و راه گریزی نداشته باشند."

رسول اکرم با جمله «**إني أوشك أن ادعى فأجيب**» به دو نکته مهم پرداختند؛

نکته اول اینکه روزهای پایانی عمر شریف خود را می‌گذراند. رسول اکرم می‌فرماید: من مشاهده می‌کنم پیک اجل نزدیک است که مرا به ملأ اعلیٰ بپیوندد و من به پیک اجل پاسخ مثبت خواهم داد.

نکته دوم اینکه معمولاً بزرگان و شخصیت‌های برجسته جامعه، اساسی‌ترین سخنانشان را در آخر عمر می‌زنند و وصیت‌های اساسی را در پایان عمر بیان می‌کنند تا شبیه اینکه پیغمبر از نظرشان برگشت، مطلب دیگری داشت یا در وصیت‌نامه خود تجدید نظر کرد، بسته شود.

البته در اینجا شاید مطالبی دیگر مخصوصاً حدیث قرطاس به ذهن بیاید. در کتاب «صحیح بخاری» از قول «جابر بن عبدالله انصاری» نقل شده است که نبی گرامی اسلام سه روز قبل از وفاتشان یعنی روز پنجشنبه حدیث قرطاس را مطرح کردند و در روز دوشنبه هم از دنیا رفتند.

در این میان شاید عده‌ای بر این باور هستند که حدیث غدیر مورد اعتراض و اشکال بود و چه بسا توطئه‌هایی علیه غدیر مطرح بوده است. صحیفه ملعون‌های که مطرح می‌کنند به دنبال قضیه غدیر بوده است که پیغمبر اکرم ناگزیر شدند بحث حدیث غدیر را مطرح کنند و فرمودند:

«أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا»

اما این فرمایش رسول گرامی اسلام مورد اعتراض صحابه به ویژه خلیفه دوم قرار گرفت و جمله‌ای که مناسب نبود و قلب نبی مکرم را به درد آورد بیان کرد. پیغمبر اکرم که مفتخر به:

(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ)

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

سوره قلم (۶۸): آیه ۴

هستند، بعد از شنیدن جمله خلیفه دوم فرمودند:

« قَوْمُوا عَنِّي وَلَا يَتَّبِعِي عِنْدِي التَّنَازُعُ »

از خانه من بیرون بروید و نزد من با یکدیگر منازعه نکنید.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۱، ص

۵۴، باب كِتَابَةِ الْعِلْمِ، ح ۱۱۴

مشاهده کنید قلب نبی گرامی اسلام تا این اندازه مکدر و ناراحت شد. در هر صورت قضیه‌ای که در اینجا مطرح شده است که می‌توان به عنوان نکات و پیام‌های غدیر مطرح کنیم و مورد توجه باشد این مسئله است که رسول گرامی اسلام فرمودند: "روزهای آخر عمر خود را سپری می‌کنم و این نکته، نکته‌ای اساسی است." نکته دیگر این است که رسول گرامی اسلام فرمودند:

« وَ أَنِّي مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ عَمَّا خَلَّفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ حُجَّتِهِ وَ أَنْكُمْ مَسْئُولُونَ »

من در برابر سخنان امروزم مسئول هستم و شما هم مسئول هستید.

شاید در اینجا اولین نکته‌ای که به ذهن بیاید آیه ۶۷ از سوره مائده باشد. به فرموده این آیه خداوند عالم به

رسول گرامی اسلام خطاب می‌کند و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

این مسئولیت، بالاترین و بزرگ‌ترین مسئولیتی است که خداوند عالم به عهده رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) محول می‌کند که اگر این امر به مردم ابلاغ نشود رسالت ناتمام است و تلاش‌های ۲۳ ساله آن بزرگوار به ثمر نمی‌نشیند.

آقای «آلوسی» در کتاب «روح المعانی» جلد ششم صفحه ۱۹۳ از آقای «ابن مردویه» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت و متوفای ۴۱۰ هجری که مورد اعتماد همه بزرگان اهل سنت است روایتی نقل می‌کند که او از قول «عبدالله بن مسعود» می‌گوید:

«كنا نقرأ على عهد رسول الله (صلى الله عليه وسلم)»

ما همگی صحابه در عصر رسول الله این آیه را چنین می‌خواندیم:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»

پیغمبر ولایت علی ولی مؤمنین را بر مردم ابلاغ کن که اگر این ابلاغ صورت نگیرد رسالت ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسي البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۶، ص ۱۹۳، باب

المائدة: (۶۷) يا أيها الرسول... ..

با اینکه «آلوسی» نسبت به حدیث غدیر و یا احادیث وصیت اشکال‌های متعددی می‌کند، اما نسبت به این روایت «عبدالله بن مسعود» هیچ شبهه‌ای ندارد. این قاعده کلی است که اگر مطلبی از مخالف نقل می‌شود، اما نقد نمی‌شود متلقات به قبول است.

همچنین آقای «سیوطی» هم همین تعبیر را در کتاب «الدر المنثور» دارد. او در این کتاب جلد سوم صفحه ۱۱۷ این روایت را از «ابن مردویه» به نقل از «ابن مسعود» می‌آورد و می‌نویسد:

«وأخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك) ان عليا مولى المؤمنين (وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس)»

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۳، ج ۳، ص ۱۱۷، باب المائدة: (۶۷) يا أيها الرسول... ..

همچنین آقای «شوکانی» که زیدی و سلفی است در کتاب «فتح القدير» جلد دوم صفحه ۸۶ این روایت را به همین صورت نقل می‌کند.

بنده به ذهنم می‌رسد این فرمایش رسول گرامی اسلام که می‌فرماید: "من در برابر این سخن مسئول هستم و شما هم در برابر سخنان من مسئول هستید" شاید اشاره به همین آیه ۶۷ از سوره مبارکه مائده باشد که خداوند متعال می‌فرماید:

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

طبق فرمایش رسول گرامی اسلام کاملاً مشخص است که مسئولیت مردم واضح و روشن است. این مقدماتی که چیده شده و این همایش بزرگ غدیر که تشکیل شده به این خاطر است که شما باید در برابر سخنان من پاسخگو باشید.

هم در خطبه «شیخ صدوق» و هم در خطبه‌ای که آقای «طبرانی» نقل می‌کند، نبی گرامی اسلام از مردم اعتراف می‌گیرد:

«فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ لِرَبِّكُمْ»

شما چگونه به پروردگار جواب خواهید داد؟!

«قَالُوا نَقُولُ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ جَاهَدْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ»

رسول گرامی اسلام از مردم اعتراف می‌گیرند که من به وظایف رسالت خود تمام و کمال عمل کردم. پیغمبر اکرم بعد از اینکه می‌فرمایند: "این سخنان، سخنان آخر من هست و من لحظات پایانی عمر خود را سپری می‌کنم و من و شما مسئول هستید. نظرتان درباره من چیست؟! " مردم همه اعتراف می‌کنند:

«قَالُوا نَقُولُ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ جَاهَدْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ»

بعد از آن، پیغمبر اکرم سه امر اساسی اعتقادی را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند:

«أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ»

ابتدا به ذهن می‌آید مردمی که از حج برمی‌گردند و در رکاب رسول گرامی اسلام و در معیت ایشان مراسم و مناسک حج را داشتند و در تلبیه همگی اقرار کردند:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

چه معنایی دارد که نبی گرامی اسلام اعتراف بگیرند و بفرمایند:

«أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ»

اگر این افراد معتقد به رسالت نبی گرامی اسلام نبودند، به ندای پیغمبر اکرم لبیک نمی‌گفتند. اگر این افراد به معاد معتقد نبودند، در مراسم حج حضور پیدا نمی‌کردند.

پیغمبر اکرم در این مراسم عظیم، این سه عقیده اساسی و ریشه‌ای را مطرح می‌کند. شاید پیام این سه مسئله این است که می‌خواهند به مردم ابلاغ کنند:

"مردم طبق آنچه که خداوند عالم در آیه ۶۷ از سوره مائده فرموده و به این شدت و غلظت مطرح می‌کند، مطالب من در ردیف نماز و روزه و حج و زکات نیست بلکه فراتر از واجبات دینی است. اهمیت مطالب من در ردیف توحید و نبوت و معاد است!"

لذا آن بزرگوار قبل از اینکه بحث ولایت امیرالمؤمنین را مطرح کند به وحدانیت حق، رسالت خویش و اعتقاد بر نبوت اعتراف می‌گیرد. پیغمبر اکرم می‌خواهد ولایت امیرالمؤمنین را در کنار مسائل اعتقادی اساسی قرار بدهد. به نقل از علمای شیعه و اهل سنت ولایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از اموری است که بر همگان واجب است و انکار آن موجب کفر است.

تعبیر آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله علیه) چنین است: "اگر برای کسی ثابت شود که ولایت امیرالمؤمنین جزء اموری است که بر پیغمبر اکرم نازل شده ولی آن را انکار کند قطعاً کافر است!!" انکار این امر همانند این است که کسی نماز و روزه را انکار کند.

در روایات اهل سنت به کرات آمده که «ابو سعید خدری» و دیگران به صراحت اشاره می‌کنند:

«أمر الناس بخمس فعملوا بأربع وترکوا واحدة، فقال له رجل: یا أبا سعید، ما هذه الأربع التي عملوا بها؟»

قال: الصلاة، والزكاة، والحج، والصوم - صوم شهر رمضان»

سپس از او سؤال می‌شود:

«قال: فما الواحدة التي تركوها؟»

از او می پرسند: آن موردی که به آن عمل نشده چیست؟!

«قال: ولاية علي بن أبي طالب»

گفت: ولایت علی بن ابی طالب.

«قال: وإنها مفترضة معهن؟ قال: نعم»

گفتند: این فریضه بر ما واجب است؟! گفت: بله.

«قال: فقد كفر الناس!! قال: فما ذنبي!»

گفتند: آیا با این کار ولایت کافر شدم؟! گفت: گناه من چیست!!

مناقب علی بن ابی طالب؛ نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی، وفات: ۴۱۰، تحقیق: جمعه

ورثه و قدم له: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، چاپ: الثانية، ص ۷۲، ح ۴۸

در این زمینه مطالب زیادی داریم. آقای «کرد علی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «خطط الشام» می نویسد:

«عرف جماعة من كبار الصحابة بموالة علي في عصر رسول الله صلى الله عليه وسلم»

ایشان در اینجا می گوید:

«وإنما لمفروضة معهن قال: هي مفروضة معهن»

خطط الشام، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمد، كزذ على (المتوفى: ١٣٧٢ هـ)، الناشر: مكتبة

النورى، دمشق، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م، ج ٦، ص ٢٤٥، باب الشيعة

لذا تعبيري كه نبى گرامى اسلام در خطبه مطرح مى كند كه اعتراف به وحدانيت حق، رسالت نبى مكرم و معاد و بعد از آن بحث ولايت اميرالمؤمنين را مطرح مى كند، خود حامل پيام بزرگى است مبنى بر اينكه ولايت اميرالمؤمنين در رديف توحيد و نبوت و معاد است؛ نه در رديف نماز و روزه و حج و زكات و جهاد!!

جمله ديگرى كه رسول گرامى اسلام در اين خطبه دارد، اين است كه مى فرمايد:

«وَأِنِّي فَرَطُكُمْ وَ أَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَى الْخَوْضِ»

پيغمبر اكرم بحث حديث حوض را مطرح مى كند. جاى سؤال است كه خطبه غدير و ولايت اميرالمؤمنين چه ارتباطى به حديث حوض دارد؟! در ابتدا جمله اى است كه خيلى مرتبط به اين قضايا نيست، اما اگر حديث حوض خوب جا يافتد بسيارى از مطالب روشن خواهد شد.

بسيارى از بزرگان از جمله «مالك» مى گويد: "اى كاش بزرگان ما حديث حوض را نقل نكرده بودند!!"

حتى بعضى ها گفته اند: "اى كاش حديث حوض در كتاب «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم» نيامده بود، زيرا براى ما مايه دردسر شده است و ما توان پاسخگويى به مشكلات و شبهات حديث حوض را نداريم!!"

به عبارت ديگر دو روايت در كتب صحيحين آمده است كه براى آقايمان دردسر ايجاد كرده است؛ يكي از آنها «حديث قرطاس» و ديگرى «حديث حوض» است.

در كتاب «صحيح بخارى» حدود ١٨ بار حديث حوض تكرر شده است. يكي از اساسى ترين رواياتى كه در اين كتاب پيرامون حديث حوض آمده است حديث ٦٢١٥ است. پيغمبر اكرم مى فرمايد: من در کنار حوض هستم و اصحاب من وارد حوض مى شوند، اما از ورود آنها به حوض جلوگيرى مى شود.

«فقلت أين»

من می گویم: آنها را کجا می برید؟!

«قال إلى النار والله»

می گویند: به خدا سوگند آنها را به سوی آتش می بریم.

«قلت وما سأئهم»

من می پرسم: گناه این افراد چیست؟!

«قال إنهم ارتدوا بعدك على أدبارهم القهقري»

می گویند: آنها بعد از رحلت تو مرتد شدند و به دوران قبل از رسالت برگشتند.

این روایت در کتاب «صحيح بخارى» است که آقایان معتقدند صحيح ترين كتاب بعد از قرآن كريم است.

صحابه دسته دسته وارد آتش دوزخ می شوند تا جایی که حضرت می فرماید:

«فلا أراه يخلص منهم إلا مثل همل النعم»

از اصحاب من جز تعداد اندکی از آتش جهنم خلاص نمی شوند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص

٢٤٠٧، ح ٦٢١٥

این روایت با مبانی اهل سنت سازگار نیست، زیرا اهل سنت بر این عقیده هستند:

«والصحابه كلهم عدول»

تمامی صحابه عادل هستند.

المجموع، نویسنده: النووی، وفات: ۶۷۶، ج ۱، ص ۶۲، فصل الحديث المرسل

و:

«وقال أبو محمد بن حزم: الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»

قطعاً تمام صحابه اهل بهشت هستند.

الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني

(المتوفى: ۸۵۲ هـ)، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية -

بيروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۵ هـ، ج ۱، ص ۱۶۳، الفصل الثالث

این مطلب در کتاب «الإصابة في تمييز الصحابة» آمده است که قطعاً یکی از بهترین کتب رجالی اهل سنت

است. این عقیده یکی از عقاید اساسی اهل سنت است و کاری با سابقه صحابه ندارند.

همچنین آقای «قرطبی» که یکی از استوانه‌های اهل سنت است و کتاب تفسیر او عصاره تفاسیر شش قرن اول

اسلام است، در جلد ۱۶ صفحه ۲۹۹ می‌گوید:

«فَالصَّحَابَةُ كُلُّهُمْ عَدُولٌ وَأَوْلِيَاءُ اللَّهِ تَعَالَى وَأَصْفِيَائُهُ وَخَيْرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ بَعْدَ أَنْبِيَائِهِ وَرَسُولِهِ»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب

- القاهرة، ج ۱۶، ص ۲۹۹، باب الفتح: (۲۹) محمد رسول الله... ..

حدیث حوض در حقیقت زیربنای اعتقادی اهل سنت را زیر سؤال می‌برد. این حدیث که در کتاب «صحیح بخاری» با تعبیر مختلف وارد شده می‌فرماید: ای پیغمبر! بعد از آنکه تو از دنیا رفتی صحابه مرتد شدند و به دوران قبل از رسالت بازگشتند.

یکی از اشکالاتی که اهل سنت نسبت به شیعه بیان می‌کنند، این است که می‌گویند: شیعه معتقد است صحابه بعد از رسول الله مرتد شدند، بجز چهار یا پنج نفر!!

این در حالی است که روایاتی که از قول «کشی» و دیگران نقل شده روایاتی است که یا غالباً سند ضعیف است و یا با مبانی شیعه تطبیق ندارد. ولی وقتی این افراد حدیث حوض را مطرح می‌کنند در حقیقت بسیاری از مسائل به هم می‌ریزد.

لذا رسول گرامی اسلام در حدیث غدیر، حدیث حوض را مطرح می‌کند. بارها از پیغمبر اکرم شنیده شده که فرمودند در قیامت از ورود تعداد زیادی از صحابه به حوض کوثر ممانعت می‌شود و نمی‌گذارند آن‌ها از آب حوض کوثر استفاده کنند و به طرف آتش جهنم فرستاده می‌شوند.

نبی گرامی اسلام در خطبه غدیر می‌فرماید: مردم حواستان جمع باشد. زیرا موضوعی که مطرح می‌کنم بحث بهشت و جهنم است و بحث گناه کوچک صغیره و کبیره نیست!!

البته نظر شیعه هم در رابطه با «إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَىٰ» این است که «ارْتَدُّوا» در اینجا ارتداد از اسلام نیست، بلکه ارتداد از ایمان است.

آقای «ابن اثیر» وقتی حدیث «إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَىٰ» را نقل می‌کند، می‌گوید: "این حدیث به این معناست که صحابه یک واجب مهم را ترک کردند."

اگر این نظر درست هم باشد، کدام واجب مهم‌تر از ولایت امیرالمؤمنین است که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

کدام واجبی بالاتر از این است که «ابو سعید خدری» می‌گوید: "یکی از پنج مورد را ترک کردند" و وقتی طرف مقابل سؤال کرد: "یعنی کافر شدند؟!؟" می‌گوید: "گناه من چیست؟!؟" لذا در اینجا این نکته هم قابل تأمل است.

بحث دیگری که نبی گرامی اسلام در خطبه غدیر دارد که قابل دقت است، این است که می‌فرماید:

«وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ عَدَا مَا دَا صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشْهَدْتُ اللَّهَ بِهِ عَلَيْكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا إِذَا وَرَدْتُمْ عَلَى حَوْضِي وَ مَا دَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ»

به این معنا که حدیث غدیر با حدیث ثقلین ارتباطی تنگاتنگ دارد و از هم جدا نیستند. غدیر منهای ثقلین را نمی‌توانید تصور کنید و ثقلین هم منهای غدیر قابل تصور نیست.

حدیث ثقلین در کتب مختلف عزیزان اهل سنت آمده است و در کتاب «سنن ترمذی» تعبیر چنین است:

«يا أيها الناس إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا كتاب الله وعترتي أهل بيتي»

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عيسى الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۵، ص ۶۶۲، ح ۳۷۸۶

«لن» در این روایت «لن» نفی ابد است؛ قضیه‌ای که نبی گرامی اسلام در غدیر مطرح می‌کند و به موضوع حدیث ثقلین اشاره می‌کند نکته ظریفی است. بنده اشاره‌ای هم به حدیث ثقلین از قول آیت الله العظمی بروجردی داشته باشم.

ایشان تأکید داشتند: "در زمان بحث با اهل سنت ابتدا به سراغ حدیث وصایت، حدیث غدیر و احادیث دیگر نروید. بهترین حدیثی که می‌شود مطرح کرد و زمینه بحث‌های اساسی شیعه را فراهم کرد حدیث ثقلین است."

حدیث ثقلین ابتدا مرجعیت علمی اهل‌بیت را تثبیت می‌کند، سپس مرجعیت سیاسی را تثبیت می‌کند. حدیث ثقلین در کتاب «صحیح مسلم» ذیل حدیث غدیر آمده است.

عزیزان دقت کنند «زید بن أرقم» که ظاهراً دیگر احادیث را فراموش کرده بود و خطبه پیغمبر در قبل و بعد از ثقلین را هم فراموش کرده بود، اما ظاهراً در ذهنشان مانده بود که پیغمبر اکرم در منطقه غدیر آمدند و فرمودند:

«وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ أَوْلَاهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَيَّ كِتَابَ اللَّهِ وَرَعَبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَأَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٨٧٣، ح ٢٤٠٨

تعبیر خاصی که ما در رابطه با حدیث ثقلین داریم نکته ظریفی است که «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم مطرح می‌کند که حضرت می‌فرماید:

«وأهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف»

یکی از راهکارهای وحدت میان امت اسلامی بحث «اهلبیت» است، زیرا شیعه، سنی و وهابی، آن بزرگواران را قبول دارند. جز تعدادی از معاندین که تمام وجودشان با نصب و عداوت اهل‌بیت (علیهم السلام) عجین شده است، دیگران عمدتاً مسئله اهل‌بیت را قبول دارند.

اگر ما در کنار مائده اهل‌بیت بنشینیم قطعاً اختلافی به وجود نخواهد آمد. همان‌طور که یکی از فرازهای حدیث قرطاس چنین است:

«عن النبي قال: لتؤتونى بكتف ودواة، أكتب لأبى بكر كتابا لا يختلف عليه معه اثنان من بعدى»

إمتاع الأسماع، نویسنده: المقریزی، وفات: ۸۴۵، تحقیق: تحقیق وتعلیق: محمد عبد الحمید النمیسى،

چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۲۰ - ۱۹۹۹ م، ج ۱۴، ص ۴۵۰

در روایت «حاکم نیشابوری» هم تعبیر چنین است:

«وأهل بيتى أمان لأمتى من الاختلاف فإذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب إبليس»

به عبارت دیگر، جدایی از اهل بیت، پیوستن به حزب ابلیس است. او در مقام سند این روایت می گوید:

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیشابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۶۲، ح ۴۷۱۵

نکته دیگری که در رابطه با حدیث ثقلین مطرح شده است، این است که این حدیث تحت عنوان کلمه

«خَلِيفَتَيْنِ» نیز آمده است. در کتاب «صحيح جامع الصغير» با تصحيح آقای «البانى» وارد شده است:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّمَا لَنْ

يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»

«ألبانى» در مورد سند این روایت می گوید:

«(صحيح) انظر حديث رقم: ۲۴۵۷ فى صحيح الجامع»

صحیح وضعیف الجامع الصغیر وزیادته، المؤلف: عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین السیوطی

(المتوفی: ۹۱۱ هـ)، مع الكتاب: أحكام محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۱، ص ۴۲۲۲، ح ۴۲۲۲

مشاهده کنید که در حدیث قبل کلمه «ثَقَلِین» بکار برده شده بود، اما در اینجا کلمه «خَلِیفَتِین» بیان شده است.

در بعضی از تعابیر از جمله کتاب «مسند ابن ابی شیبیه» با سند صحیح، جلد اول صفحه ۱۰۸ وارد شده است:

«إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ الْخَلِيفَتَيْنِ كَامِلَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ، وَعَتْرَتِي، وَإِنِّهِنَّ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»

مسند ابن ابی شیبیه، اسم المؤلف: أبی بکر عبد الله بن محمد بن أبی شیبیه، دار النشر: دار الوطن -

الرياض - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی و أحمد بن فرید المزیدی، ج ۱، ص

۱۰۸، ح ۱۳۵

نبی گرامی اسلام به چه زبانی برای مردم بیان کند که حجت تمام بشود؟! به تعبیر حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها):

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حُمْ لَأَحَدٍ عُذْرًا؟!»

لذا یکی از فرازهای خطبه غدیر موضوع «حدیث ثقلین» است. ما اگر در ایام غدیر روی «حدیث ثقلین» و

«حدیث خلیفتین» که با سندهای صحیح از اهل سنت آمده تکیه کنیم، خود زمینه ساز وحدت است؛ مخصوصاً

در شهرهای تلفیقی که شیعه و سنی باهم زندگی می کنند، زمینه و بستر مناسبی خواهد بود برای وحدت.

امروزه دشمن با تمام قدرت و توان به میدان آمده و از همه ظرفیت ها استفاده می کنند تا میان شیعه و اهل

سنت اختلاف ایجاد کنند و آتش اختلاف را فروزان تر کنند.

در این مسیر اگر کسی واقعاً با قلم، قدم و بیان خود جمله‌ای بیان کند که اختلاف گسترده‌تر بشود و یا ایجاد بشود قطعاً فتنه است و به فرموده قرآن کریم:

(وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است!

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۱

البته به تعبیر علامه «شهید مطهری» در کتاب «امامت و رهبری» صفحه ۲۱ و ۲۲ که می‌نویسد: "امروزه وحدت از ضروریات اسلام است، اما معنای وحدت این نیست که ما بخواهیم با وحدت شیعه را سنی و یا سنی را شیعه کنیم. ما شیعه هستیم، افتخار پیروی اهلیت را داریم و برای وحدت حاضر نیستیم از یک مستحب کوچک و یک مکروه کوچک هم دست برداریم."

اگر وحدت به این صورت باشد، وحدت بر این افراد گوارا باد. اما اگر معنای وحدت این باشد که ما سنگر به سنگر عقب نشینی کنیم در حقیقت چنین وحدتی با آیه شریفه:

(وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا)

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۳

و همچنین با نظر بزرگان ما به هیچ وجه سازگار نیست. نکته دیگری که در اینجا وجود دارد، بحث‌های علمی است. به تعبیر علامه «شهید مطهری» مباحث علمی که ما در باب ولایت مطرح می‌کنیم با عقل و منطق و خرد سروکار دارد.

مباحث علمی باید طوری مطرح شود که احساسات و عواطف اهل سنت را جریحه‌دار نکند و آنها هم در صحبت‌هایشان طوری صحبت کنند که احساسات و عواطف شیعه را جریحه‌دار نکنند. اگر این خط قرمز لحاظ شود بحث‌های علمی لازم است!

در حال حاضر جوانان شیعه در معرض شبهات وهابیت قرار دارند. وهابیت شبانه روز شبهه تولید می‌کنند و شبهه منتشر می‌کنند. در رسانه‌های جهانی، فضای مجازی، فضای سایبری و دیگر فضاها روزانه هزاران شبهه تولید می‌کنند.

جوانان شیعه که اطلاع آنچنانی ندارند، زمانی که چندین شبهه را می‌شنوند این شبهات در ذهن او به مسئله بزرگ و کدر و تاریک تبدیل می‌شود و به دلیل اینکه توانایی پاسخگویی ندارد دچار تلاطم می‌شود.

لذا ما باید این بحث‌ها را مطرح کنیم؛ مخصوصاً در فضای مجازی که به تعبیر مقام معظم رهبری، فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است!! بنده با توجه به تجربه‌ای که دارم، معتقدم حضور ما در فضای مجازی از اوجب واجبات است!!

همان‌طور که ما بر خود واجب می‌دانیم صبح بلند شویم، وضو بگیریم و نماز بخوانیم، باید برنامه ریزی کنیم روزی یک یا دو ساعت در فضای مجازی سیر کنیم و ببینیم بچه شیعه‌های ما، با چه شبهاتی روز و شب دست و پنجه نرم می‌کنند.

ما باید ببینیم وهابیت روزانه در کانال‌ها چه شبهاتی را مطرح می‌کنند؟! البته کانال‌هایی که متعلق به بچه‌های شیعه هست هم وجود دارد و «شبکه جهانی ولایت» هم در تلگرام، فیسبوک و فضاهای مجازی پر مخاطب دیگر، فعالیت می‌کند.

دوستان ما در کانال «شبکه جهانی ولایت» شبهاتی که در فضای رسانه‌ای و مجازی است را پاسخ می‌دهند. همچنین مباحثی که در «شبکه جهانی ولایت» مطرح می‌شود به صورت کلیپ در فضای مجازی منتشر می‌شود. نکته پایانی این خطبه این است که نبی گرامی اسلام می‌فرماید:

«فالیبلغ الشاهد الغائب»

بنده این تعبیر را بسیار کم دیدم و شاید جزو تعابیر نادر از رسول گرامی اسلام است که مطلبی را بیان کنند و در پایان بفرمایند که حاضرین این مطلب را به غائبین برسانند.

مراد از «الغائب» هم این نیست فقط کسانی که در همایش غدیر حضور ندارند، بلکه شامل همه مردم تا قیامت قیامت خواهد شد. نبی گرامی اسلام با این فراز، تکلیف همه ما را روشن می‌کند.

علل جاودانه بودن غدیر

نکته دیگری که در اینجا مطرح است و جا دارد روی آن در ایام غدیر مانور بدهیم، علت جاودانگی حدیث غدیر است.

علی رغم روایات فراوانی که رسول گرامی اسلام در حدیث وصایت، خلافت و ولایت مطرح کرده است، در این میان حدیث غدیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هم در نزد شیعه و هم در نزد اهل سنت که نسبت به حدیث غدیر عکس العملی نشان می‌دهند که روی حدیث خلافت، حدیث وصایت، حدیث امامت، حدیث منزلت و دیگر احادیث چنین عکس العمل و فراز و نشیب در طول تاریخ مشاهده نشده است.

بنده به نظرم می‌رسد یکی از علل جاودانه بودن غدیر نزول آیات قرآن مرتبط با غدیر بوده است. آقایان اهل سنت اینها را با سندهای صحیح یا ادعای اجماع در اینجا نقل کرده‌اند.

یکی از این آیات، آیه ۶۷ از سوره مبارکه مائده است. آقای «ابن ابی حاتم» در کتاب «تفسیر» خود جلد چهارم صفحه ۱۱۷۲ به نقل از «ابو سعید خدری» می‌گوید: "این آیه درباره علی بن ابی طالب نقل شده است."

همچنین آقای «ابن ابی حاتم» در ابتدای «تفسیر» خود می‌گوید: "من تمام روایات را از اصح الأخبار انتخاب کردم!!" همچنین از «ابن تیمیه» به صراحت نقل شده است:

«وَتَفْسِيرِ ابْنِ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ وَ ابْنِ أَبِي حَاتِمٍ، تَفَاسِيرُهُمْ مُتَضَمِّنَةٌ لِمُنْقُولَاتِ التِّي يُعْتَمَدُ عَلَيْهَا فِي التَّفْسِيرِ»

تفسیر ابن جریر طبری و ابن ابی حاتم، متضمن روایاتی است که در تفسیر قرآن می شود به آنها اعتماد کرد.

منهاج السنة النبوية؛ ج ۷ ص ۱۷۹؛ دار النشر : مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

نکته دیگر بحث آیه اکمال است که نکته ظریفی است. سند صحیحی که در رابطه با این موضوع در کتب اهل سنت وجود دارد، سخن آقای «خطیب بغدادی» بوده است. البته روایات زیاد است؛ شاید حدود ۴۰ روایت در نزول آیه اکمال در غدیر خم دارند.

صحیح‌ترین روایتی که مشاهده کردیم از نظر سندی مشکلی نداشته باشد، عبارت «خطیب بغدادی» است. او در کتاب خود جلد ۸ صفحه ۲۸۹ از قول «ابو هریره» می‌نویسد:

«وهو يوم غدیر خم لما أخذ النبي بيد علي بن أبي طالب فقال»

پیغمبر اکرم روز غدیر خم دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمودند:

«ألست ولي المؤمنين»

آیا من ولی المؤمنین نیستم!؟

«قالوا بلی یا رسول الله»

مردم گفتند: بله یا رسول الله.

«قال من كنت مولاه فعلى مولاه»

پیغمبر اکرم فرمودند: هرکسی من مولای او هستم بعد از من علی مولای اوست.

«فقال عمر بن الخطاب بخ بخ لك يا بن ابي طالب أصبحت مولی ومولی كل مسلم فأنزل الله اليوم

أكملت لكم دينکم»

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علی أبو بكر الخطیب البغدادی، دار النشر: دار الکتب العلمیة -

بیروت، ج ۸، ص ۲۸۹، ح ۴۳۹۲

علمای دیگری هم عبارت‌های مختلفی دارند. آقای «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «البدایة و النهایة» از قول

خلیفه دوم می‌گوید:

«هنیئا لك يا ابن ابي طالب اصبحت اليوم ولی كل مؤمن»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بیروت، ج ۷، ص ۳۵۰، باب حدیث غدیر خم

در اینجا دیگر کلمه «مولی» به کار نرفته، بلکه کلمه «ولی» آمده است. همچنین آقای «ابن اثیر» در کتاب

«أسد الغابه» از قول «براء بن عازب» می‌نویسد:

«فقال عمر بن الخطاب: يا ابن ابي طالب، أصبحت اليوم ولی كل مؤمن»

أسد الغابة فى معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد الجزرى، دار
النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت / لبنان - ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل
أحمد الرفاعى، ج ٤، ص ١١٨، ح ٣٧٧٥

آقاى «ابن عساکر» در کتاب «تاریخ دمشق» از قول خلیفه دوم مى نویسد:

«هنیئا لك يا ابن أبى طالب أصبحت اليوم ولى كل مؤمن»

تاریخ مدینه دمشق، اسم المؤلف: أبى القاسم على بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعى، دار
النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥، تحقيق: محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامة العمرى، ج ٤٢، ص
٢٠، ح ٤٩٣٣

کلمه «ولى» هم در حقیقت انصراف به زعامت و ولایت امر دارد. حتى مشاهده کنید در کتاب «صحيح مسلم»
جلد سوم صفحه ١٣٧٨ حدیث ١٧٥٧ خلیفه دوم خطاب به امیرالمؤمنین و «عباس» عموى پیغمبر اکرم
مى گوید:

«فلما تُوفى رسول الله قال أبو بكرٍ أنا ولى رسول الله»

مشاهده کنید که خلیفه اول مى گوید: «أنا ولى رسول الله»؛ نه اینکه بگوید «انا خليفة رسول الله»، «أنا الحاكم
بعد رسول الله»، «أنا الامام بعد رسول الله»!!

«ثُمَّ تُوفى أبو بكرٍ وأنا ولى رسول الله وولى أبى بكرٍ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء
التراث العربى - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٣، ص ١٣٧٨، ح ١٧٥٧

همچنین اولین خطبه‌ای که خلیفه اول مى خواند، این است که مى گوید:

«ولیتکم ولست بخیرکم»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت،

ج ٥، ص ٢٤٨، باب اعتراف سعد بن عبادَة بصحة ما قاله الصديق يوم السقيفة

این روایت در این کتاب با سند صحیح نقل شده است. لذا زمانی که کلمه «ولی» استعمال می‌شود اشکالاتی که آقایان در رابطه با «مولی» دارند، در کلمه ولی قطعاً وجود ندارد و بنده لازم دیدم که این نکته در اینجا مطرح شود.

نکته دیگری که در اینجا مطرح است، بحث دلالت حدیث غدیر بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است. این نکته هم نکته ظریفی است و مطالب زیادی هم در اینجا مطرح است.

اولین بحثی که نبی گرامی اسلام دارد این است که قبل از آنکه ولایت امیرالمؤمنین مطرح شود، نبی گرامی اسلام ولایت تامه خود را بر همه مؤمنین مطرح می‌کند. در آیه ششم از سوره مبارکه احزاب وارد شده است:

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنها اولی است.

سوره احزاب (٣٣): آیه ٦

در میان تمام آیاتی که در رابطه با نبی گرامی اسلام بیان شده است، شاید بالاترین مقامی که قرآن برای آن بزرگوار مطرح می‌کند همین آیه است. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: ولایت پیغمبر اکرم بر مؤمنین از خودشان بالاتر است.

در اینجا تعبیری که بزرگان اهل سنت از جمله آقای «زمخشری»، «بیضاوی» و دیگران ذیل آیه شریفه:

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

دارند، این است که می‌گویند: "ولایت پیغمبر اکرم بر مؤمنین در تمام امور دینی و دنیوی و اخروی از ولایت خودشان نافذتر است!"

لذا رسول گرامی اسلام ابتدا ولایت خود را مطرح می‌کند و پس از آنکه از مردم اعتراف می‌گیرد بلافاصله ولایت امیرالمؤمنین را مطرح می‌کند.

رسول گرامی اسلام می‌خواهند اثبات کنند ولایت امیرالمؤمنین، هم ردیف ولایت من است، در استمرار ولایت من است و جدا از ولایت من نیست!! رسول گرامی اسلام در خطبه غدیریه ابتدا می‌فرماید:

«أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَ أَنَا مَوْلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ أَنَا أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»

سپس می‌فرماید:

«أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ»

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۶۶، ح ۹۸

واژگان مختلف حدیث غدیر

یکی از اشکالاتی که بنده به دوستان می‌گیرم این است که ما از حدیث غدیر تنها روایت «أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ» را مطرح می‌کنیم. با اینکه رسول گرامی اسلام در خطبه غدیر خم واژه‌های مختلفی به کار برده است که یکی از آنها «أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ» است.

روایت دیگری از رسول گرامی اسلام در خطبه غدیر خم بیان شده است که بزرگان اهل سنت از جمله آقای «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد پنجم صفحه ۲۱۰ با سند صحیح نقل می‌کند:

«ومن كنت وليه فهذا وليه»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٥، ص ٢١٠، باب ذكر افاضته إلى البيت العتيق

مراد از روایت «ابن کثیر» این است که ولایت پیغمبر اکرم با ولایت امیرالمؤمنین یکی است. همچنین در بعضی از تعابیر وارد شده است:

«من كنت مولاه فعلى وليه»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٧، ص ٣٤٤، باب حديث آخر

همچنین در تعابیر دیگری هم وارد شده است:

«من كنت وليه فعلى وليه»

البحر الزخار، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق البزار، دار النشر: مؤسسة علوم القرآن،

مكتبة العلوم والحكم - بيروت، المدينة - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله، ج

١٠، ص ٢٥٨، ح ٤٣٥٤

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«من كنت وليه فإن عليا وليه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٢، ص

١٤١، ح ٢٥٨٩

همچنین در کتاب «البدایة و النهایة» وارد شده است:

«ومن كنت وليه فهذا وليه»

همچنین در مورد سند این روایت وارد شده است:

«وهذا اسناد جيد»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -
بيروت، ج ٥، ص ٢١٠، باب ذكر افاضته إلى البيت العتيق

همچنین در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» جلد پنجم صفحه ١٦٥ وارد شده است که رسول گرامی اسلام
می فرماید:

«من كنت وليه فعلي وليه»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -
الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ٥، ص ١٦٥، ح

٤٩٦٨

همچنین آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «المطالب العالیة» با سند صحیح نقل می کند که رسول گرامی
اسلام فرمودند:

«أستم تشهدون أن الله ورسوله أولى بكم من أنفسكم وأن الله تعالى ورسوله أولياؤكم؟»

آیا گواهی نمی دهید که ولایت خداوند و پیامبرش بر شما از خود شما اولویت دارد؟

«فقالوا: بلى»

مردم گفتند: بله.

رسول گرامی اسلام در ادامه فرمودند:

«قال: فمن كان الله ورسوله مولاه فإن هذا مولاه»

المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر العسقلاني، دار النشر: دار

العاصمة/ دار الغيث - السعودية - ١٤١٩ هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز

الشترى، ج ١٦، ص ١٤٢، ح ٣٩٤٣

همچنین در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد ٣ صفحه ١١٨ وارد شده است:

«من كنت مولاه فهذا وليه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

١١٨، ح ٤٥٧٦

تعبیر کاملاً مختلف است. زمانی که این تعبیر در کتاب «البدایة و النهایة» مطرح می شود با تصحیح سند از

آقای «ذهبی» نقل می کند:

«وهذا اسناد جيد رجاله ثقات علی شرط السنن»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٥، ص ٢١٢، باب ذكر افاضته إلى البيت العتيق

فلذا یکی از مواردی که ما باید روی آن مانور بدهیم بحث واژگان مختلفی است که در حدیث غدیر نبی گرامی اسلام در رابطه با ولایت امیرالمؤمنین مطرح کرده است. البته مطالب دیگری هم در این زمینه وجود دارد.

این فایل پاورپوینت حجم زیادی هم دارد و شاید چهار گیگ است. عزیزانی که با کامپیوتر سروکار دارند و می‌خواهند از این فایل استفاده کنند می‌توانند این فایل را داشته باشند. شاید از این فایل پاورپوینت بیش از ۶ هزار ساعت استفاده شده است.

تعداد صفحاتی که ما از اینترنت از کتب اهل سنت گرفتیم شاید حدود ۴۰۰ صفحه باشد که اسکن گرفته شده و ضمیمه این فایل شده است.

عزیزان توجه کنند مباحثی که با ویدئو پروژکتور در یک ساعت مطرح می‌شود به اندازه چهار ساعت بحث مفید است، زیرا مخاطبین ما مطالب را می‌شنوند و تصاویر را می‌بینند و همین امر سبب می‌شود مباحث در ذهن مخاطب بیشتر بماند و اتقان بیشتر پیدا کند.

مباحثی که امروز در خدمت شما بیان کردم شاید اگر به وسیله ویدئو پروژکتور مطرح نمی‌کردم در چهار ساعت هم نمی‌شد مطرح کرد علی‌رغم اینکه زیاد هم خسته کننده نیست.

بنده به یک یا دو نکته دیگر هم اشاره می‌کنم و پس از آن اگر عزیزان سؤال خاصی هم دارند در خدمتشان هستم.

نکته اول اینکه مرحوم «شیخ محمد تقی جعفری» (رضوان الله تعالی علیه) در شرح حالشان نوشتند: "من یک شب «علامه امینی» را در خواب دیدم و مشاهده کردم که ایشان خیلی مضطرب است و با حالت گریه به من

گفتند: آقای «جعفری» علی بن ابی طالب مظلوم است، این مرد خیلی مظلوم است. ما که از دنیا رفتیم و دیگر کاری از دست ما ساخته نیست، اما برای دفاع از مظلومیت این مرد تا می‌توانید کار کنید."

مرحوم «جعفری» می‌گوید: "وقتی من از خواب بیدار شدم فقط گریه می‌کردم."

ایشان بعد از این خواب تصمیم گرفتند «شرح نهج البلاغه» را بنویسند. جزاه الله خیر الجزا! الحق و الإنصاف این کتاب یکی از بهترین شروح «نهج البلاغه» است.

نکته دوم این است که بنده چندین مرتبه از حضرت آیت الله شبیری زنجان شنیدم که ایشان می‌گفتند: "مرحوم آیت الله خاقانی یکی از علمای بزرگ خوزستان با «علامه امینی» میانه خوشی نداشت به طوری که بعد از رحلت ایشان هم در جلساتشان شرکت نکرد."

بعضی افراد کج سلیقه هستند؛ یکی از اساتید می‌گفت: "یک روز که ما در مشهد بودیم، «علامه امینی» در منزل آیت الله العظمی میلانی سخنرانی کردند. زمانی که از منبر پایین آمدند، چند تن از طلاب با تندترین عبارت با «علامه امینی» برخورد کردند."

زمانی که این بزرگان در قید حیات هستند ما قدرشان را نمی‌دانیم، اما زمانی که از دنیا رفتند قربان صدقه آن‌ها می‌رویم.

بنا به نقل آیت الله العظمی شبیری زنجان، مرحوم «خاقانی» یک شب صحرای قیامت را در خواب دید. ایشان در خواب دید که: "مردم چندین کیلومتر صف کشیدند تا خدمت رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین برای نوشیدن از آب حوض کوثر برسند. هوا به قدری گرم بود به طوری که کلافه شده بودیم و داشتیم از شدت تشنگی هلاک می‌شدیم."

من که داشتم از تشنگی هلاک می‌شدم از صف بیرون آمدم، خواستم بروم که یک مرتبه ملکی آمد و گفت: آقای «خاقانی» داخل صف باش، اینجا نوبتی است.

من داخل صف رفتم و یک مرتبه مشاهده کردم «علامه امینی» از ته صف خارج از نوبت جلو می‌رود. ایشان از دست امیرالمؤمنین آب خورد.

امیرالمؤمنین به همه با ظرف آب می‌دادند، اما زمانی که «علامه امینی» آمدند حضرت آب را در کف دستشان ریخت و به «علامه امینی» داد. زمانی که این صحنه را مشاهده کردم از صف بیرون آمدم و با خود گفتم: «امینی» خارج از نوبت رفت، من هم می‌روم!!

ملائکه من را برگرداندند و گفتند: آقای «خاقانی» داخل صف باش. من گفتم: چرا «علامه امینی» رفت؟! ملائکه گفت: «علامه امینی» برای امیرالمؤمنین کار کرده است و کتاب «الغدیر» را نوشته است، شما چکار کردید؟!!"

زمانی که مرحوم «خاقانی» از خواب بیدار شده بود بسیار استغفار کرده بود و خودش هم جلسات مختلف ترحیم برای «علامه امینی» گرفته بودند.

لذا دوستان عزیز در نظر داشته باشید اولاً هرکسی لیاقت و توفیق کار کردن برای امیرالمؤمنین را ندارد. کار کردن برای امیرالمؤمنین گنجینه و درّی است و شاید فراتر از درّ باشد. خداوند عالم تنها به بعضی از بندگانی که آن‌ها را دوست دارد این توفیق را می‌دهد.

نکته سوم این است که در نظر داشته باشید که نبی گرامی اسلام در روز غدیر خم یک دعا کردند و شک نداشته باشید که دعای آن بزرگوار به اجابت می‌رسد. آن بزرگوار فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ»

دعای آن بزرگوار قید ندارد و فرمودند: «اللهم انصر كل شيعة نصره»، «اللهم انصر كل مسلم نصره»، «اللهم انصر كل مؤمن نصره»؛ بلکه فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ»

رسول گرامی اسلام از خداوند متعال می‌خواهند هرکسی امیرالمؤمنین را یاری می‌کند یاری کنند.

بنده معتقدم حتی اگر یک کافر هم برای امیرالمؤمنین کار کند، خداوند عالم به اندازه کار او یا تخفیف در عذاب او می‌دهد که این عقیده از عقاید قطعی اسلامی ماست و یا همان کار کوچک او را زمینه هدایت او قرار می‌دهد. بنده حدود ۳۵ سال قبل در کتاب «رایة» روایتی از مرحوم «عراقی» دیدم. ایشان نقل می‌کنند: "در نجف فردی بود که در منزل یکی از اربابان آن زمان کارگری می‌کرد و پول ناچیزی از او می‌گرفت. ارباب این شخص نسبت به امیرالمؤمنین بی‌احترامی و جسارت می‌کرد و این کارگر خیلی عذاب می‌کشید.

یک شب این غلام عصبانی می‌شود و به ارباب می‌گوید: امشب به حرم امیرالمؤمنین می‌روم و از آن بزرگوار مرگ تو را طلب می‌کنم. ارباب هم در جواب به او می‌گوید: برو بینم چکار می‌توانی انجام دهی.

غلام به حرم امیرالمؤمنین آمد، خیلی گریه کرد و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! من دیگر تاب و توانم تمام شده است و تحمل جسارت‌های او به شما را ندارم. از خدا بخواه مرگ ارباب من را برساند تا راحت شوم.

غلام بسیار گریه می‌کند و درحالی‌که گریه می‌کند به خواب می‌رود. او در خواب می‌بیند که وارد حرم شده است درحالی‌که امیرالمؤمنین کنار ضریح ایستاده و او به دست و پای حضرت می‌افتد. او با خود می‌گوید حال که حضرت را دیدم حاجات دیگری از او طلب کنم."

بعضی افراد زیرک هستند؛ رسول گرامی اسلام زمانی در بیابان گرفتار شده بودند و به همین خاطر در خانه یک عرب مهمان شدند. مرد عرب تمام زندگیش که یک بز بود را کشت و برای پیغمبر اکرم اطعام درست کرد.

رسول گرامی اسلام به او فرمود: وقتی به مدینه آمدی جبران می‌کنم. زمانی که این شخص به مدینه آمد، پیغمبر اکرم از او پرسید: چه می‌خواهی؟! مرد عرب گفت: ۲۰ گوسفند، ۳۰ بز، ۴ شتر، ۵ اسب.

پیغمبر اکرم خواسته‌های این مرد را برآورده کرد و هنگامی که او رفت، فرمودند: ای کاش این مرد عرب به اندازه آن پیرزن بنی اسرائیل همت داشت. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! قضیه چیست؟!

پیغمبر اکرم فرمودند: زمانی که حضرت موسی به دنبال قبر حضرت یوسف می‌گشت، به ایشان گفتند تنها یک پیرزن آن مکان را بلد است.

زمانی که پیرزن را آوردند، حضرت موسی از او پرسید: آیا قبر حضرت یوسف را خبر داری؟! پیرزن گفت: بله. حضرت موسی پرسید: می‌توانی مرا راهنمایی کنید؟! پیرزن گفت: نه.

وقتی که حضرت موسی علت راهنمایی نکردن او را پرسید، پیرزن گفت: راهنمایی کردن من سه شرط دارد. شرط اول این است که از خدا بخواهی مرا جوان کند.

حضرت موسی از خدا خواست و پیرزن جوان شد، سپس پرسید: شرط دوم چیست؟! پیرزن گفت: شرط دوم این است که مرا به عقد خودت دریاوری و من همسر پیغمبر خدا شوم.

حضرت موسی او را به عقد خود درآورد و سپس پرسید: شرط سوم چیست؟! پیرزن گفت: شرط سوم این است که من در بهشت هم همسر تو باشم. نبی گرامی اسلام فرمودند: ای کاش این مرد عرب همت آن پیرزن بنی اسرائیل را داشت.

دوستان! زمانی که ما نزد خداوند عالم می‌رویم؛ خدایی که:

« وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ »

سوره المنافقون (۶۳): آیه ۷

و:

« وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ »

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۹

و:

«إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»

فرمان او تنها این است که هر گاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید: "موجود باش" آن نیز بلافاصله موجود می‌شود!

سوره یس (۳۶): آیه ۸۲

همچنین زمانی که خدمت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مشرف می‌شویم، در آخر زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمُ»

یا ولی الله اگر بخواهم گناهانم بین من و خدا بخشیده شود جز به رضایت شما انجام نمی‌شود.

توجه دارید که زیارت جامعه کبیره زیارتی است که در حرم دیگر ائمه طاهرين خوانده می‌شود. در این زیارت بعد از این تعبیر، تعبیر بسیار سنگینی وارد شده است که می‌گوید:

«فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ»

خدا را قسم می‌دهم به خدایی که شما را محرم اسرار خود قرار داده است.

«وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ»

و امر خلق خود را به شما محول کرده است.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلامی،

علاءالدین، ص ۳۰۱، الباب الحادی عشر

یا به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وارد شده است:

«فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۸۶، باب

۲۸ و من کتاب له ع إلى معاوية جوابا

«ابن ابی الحدید» می‌گوید: "اگر خلقت معاویه هیچ فلسفه‌ای نداشت، جز اینکه باعث شد امیرالمؤمنین نامه‌ای

به او بنویسد و پرده از روی اسرار ناگفتنی بردارد همین مقدار بس است!!"

در هر صورت...

وقتی که کارگر شیعه امیرالمؤمنین را در خواب دید، با خود گفت همه چیز دست این بزرگواران است گفت: یا

امیرالمؤمنین! من سه حاجت دارم. حاجت اول من این است که اربابم به درک واصل شود، زیرا من تحمل

زندگی با او را ندارم.

حاجت دوم من این است که حدود ۳۵ سال از عمرم می‌گذرد اما ازدواج نکردم، زیرا با حقوق کمی که دارم

توانایی ازدواج کردن ندارم. از شما می‌خواهم یک خانم خوب و متدین را به همسری من دریاوری.

حاجت سوم من این است که درآمدی برای خودم داشته باشم تا از نوکری خلاص شوم. آن بزرگوار به او فرمود:
حاجت اول تو برآورده نیست، اما حاجت دوم و سوم تو قبول است.

کارگر شیعه عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! حاجت اول من را هم برآورده کنید. امیرالمؤمنین فرمود: این حاجت
به صلاح تو نیست. مرد شیعه عرض کرد: چرا حاجت اول من به صلاح نیست؟!

امیرالمؤمنین فرمود: این کار به جهت این است که وقتی ارباب تو از جلوی حرم من رد می‌شود و چشمش به
گنبد من می‌افتد بی‌اختیار خم می‌شود و در برابر من تعظیم می‌کند. به خاطر عشقی که بی‌اختیار در برابر من
دارد من نمی‌خواهم نسبت به او چنین کاری کنم.

غلام از خواب بیدار می‌شود و به منزل برمی‌گردد. ارباب به او طعنه می‌زند و می‌گوید: آیا مرگ مرا خواستی؟!
غلام سر خود را پایین می‌اندازد، ارباب از او می‌خواهد تا جریان را برای او تعریف کند.

وقتی غلام خواب خود را نقل می‌کند، ارباب شروع به گریه می‌کند، زار زار گریه می‌کند و می‌گوید: به خدا قسم
هیچ کسی از این موضوع خبر نداشت. این مسئله‌ای بود که تنها خودم می‌دانستم و برای کسی هم بیان نکرده
بودم.

ارباب می‌گوید: ارباب تو، مولای تو علی بن ابی طالب اینقدر بزرگ است که وقتی یک ناصبی هم به او تعظیم و
احترام می‌کند، احترام او را در نظر دارد. من شهادت می‌دهم که امیرالمؤمنین امام به حق و خلیفه به حق است.
من در زندگی تنها یک دختر دارم، او را به عقد تو درمی‌آورم. می‌توانی در کاروانسرای من با دخترم کار کنی و
درآمد آن نصیب هر سه ما بشود.

دوستان عزیز مشاهده کنید کرامت امیرالمؤمنین چنین است. هرکسی برای امیرالمؤمنین کار کند، عشق بورزد
ولو ناصبی باشد خداوند عالم او را کمک می‌کند.

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ»

اگر کسی امیرالمؤمنین را کمک کرد، قطعاً علی بن ابی طالب در این دنیا یا قیامت جبران می‌کند بنابراین اگر برای امیرالمؤمنین کار می‌کنیم بدانیم این کارها مورد نظر آن بزرگوار است و حضرت قطعاً جبران خواهد کرد. بی شک و ریب حضرت امیرالمؤمنین خدمات را جبران می‌کند، مخصوصاً زمانی که این خدمات در راه دفاع از حریم ولایت باشد دیگر خود جایگاه خاصی دارد.

بنده نزدیک سی سال به عنوان یک سرباز تلاش می‌کنم از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دفاع کنم. «شبکه جهانی ولایت» تنها شبکه‌ای است که بحث علمی به صورت زنده و آنلاین پخش می‌شود.

شبکه‌های ملی ما چنین برنامه‌ای ندارند که یک مرتبه تماس تلفنی برقرار شود و هرکسی از هرکجای دنیا بتواند ارتباط برقرار کند. شبکه فارسی ما در پنج قاره آمریکا، کانادا، اروپا، آفریقا، آسیا حتی استرالیا پخش می‌شود و ما بیننده داریم.

زمانی که بینندگان روی خط ارتباطی می‌آیند ما خبر نداریم چه کسانی روی خط می‌آیند و می‌خواهند چه سؤال بپرسند. افراد متعددی اعم از شیعه، سنی، وهابی، مسیحی، دانشجو، طلبه و استاد دانشگاه با شبکه ما ارتباط برقرار می‌کنند.

قسم به روح پاک امیرالمؤمنین بارها اتفاق افتاده یکی از بینندگان از من سؤال پرسیده و من به ذهنم زیاد فشار آوردم، اما دیدم حتی یک کلمه جواب برای این سؤال در ذهن ندارم؛ زیرا هرچه باشد علوم ما محدود است.

در این حین وقتی که به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) متوسل شدم، می‌بینم بی اختیار مطالب به ذهن من خطور می‌کند.

یا وقتی که ما روی یک فایل کار کردیم، اما این کار از یاد ما رفته است، وقتی به نرم افزار «مکتبه اهل بیت» مراجعه می‌کنم و کلمه‌ای را جستجو می‌کنم می‌بینم که اگر بخواهیم یک ساعت هم درباره این سؤال صحبت کنیم مطلب برای ما می‌آید.

قسم به روح پاک امیرالمؤمنین شاید این اتفاق به تعداد موهای سرم برای من رخ داده است. ما بحث‌های زیادی با وهابیت داشتیم؛ در عربستان بیش از ۲۵۰ جلسه مناظره با آنها داشتیم حتی به طائف رفتیم و با مفتی اعظم عربستان سعودی صحبت کردیم.

همچنین بنده با «پروفسور غامدی» یکی از اساتید برجسته دانشگاه أم القری جلسات متعددی داشتیم. بنده تجربه‌های زیادی در این زمینه دارم، مخصوصاً از جمله:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ»

شاید بعضی از عزیزان شنیده باشند و بنده بارها نقل کردم. این نکته از نکاتی است که بنده معتقدم مصداق بارز:

(وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ)

و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن.

سوره ضحی (۹۳): آیه ۱۱

برای بنده است. ما در سال ۱۳۸۲ با یکی از مفتیان مکه مکرمه به نام «شیخ محمد زینو» مناظره‌ای چند ساعته در منزل ایشان داشتیم. ایشان که سه سال قبل از دنیا رفت در بیت الله الحرام درس خارج تدریس می‌کرد و استاد دار الحدیث مکه مکرمه بود.

ایشان سؤالاتی داشت و ما جواب دادیم. در مقابل ما سؤالاتی داشتیم که ایشان نتوانستند پاسخ بدهند و به همین خاطر به ما گفت که فرداشب بیایید تا من به سؤالات شما پاسخ بدهم.

ما آن شب به هتل برگشتیم و فرداشب به اتفاق دانشجویان سوار ماشین شدیم و رفتیم، اما دیدیم آن خیابان و کوچه‌هایی که شب گذشته رفته بودیم نیست بلکه ما را به خیابان و کوچه دیگری می‌برند.

رک بگویم که مقداری دلمان به شور افتاد که مبدا ایشان تصمیم دیگری دارند. ما در همان جا گفتیم: خدایا اگر لیاقت داشته باشیم که خون ما به خاطر دفاع از اهل بیت ریخته شود زهی سعادت برای ماست.

ما را با ماشین جلوی ساختمان مجلی پیاده کردند. وقتی داخل ساختمان شدیم سوار آسانسور شدیم و بالا رفتیم. وقتی به محل رسیدیم با یک انسان وزین و مؤدب و سنگینی ملاقات کردیم.

ما به «جابر» دانشجویی که همراه ما بود گفتیم: قرار بود به دیدار «شیخ زینو» برویم، چه اتفاقی افتاد؟! او گفت: ایشان «پروفسور غامدی» یکی از اساتید دانشگاه أم القرى است که رشته تخصصی ایشان بحث کلام و اعتقادات است.

وقتی که ما نشستیم و ایشان شروع به صحبت کرد مشاهده کردم که بیان خیلی شیوایی دارد گویا «استاد فلسفی» (رضوان الله تعالی علیه) است که به زبان عربی صحبت می‌کند. ایشان روی کتب شیعه هم کار کرده بود و شبهات بسیار سنگینی مطرح کرد.

ایشان چندین شبهه مطرح کرد و بنده الحق و الانصاف دیدم که حتی برای شبهاتی که ایشان مطرح کرد یک دقیقه جواب در ذهن من نمی‌آید. بنده هرچقدر به خود فشار آوردم تا در جواب ایشان چیزی بنویسم دیدم گویا ذهن من کاملاً بسته شده است.

در این هنگام به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) متوسل شدم. از گفتن این جمله معذرت می‌خواهم، اما فرزندان حضرت فاطمه زهرا مخصوصاً در شب‌های چهارشنبه با مادرشان خودمانی صحبت می‌کنند.

بنده گفتم: یا زهرا! من نیامدم از بستگان خود دفاع کنم بلکه آمدم از شما دفاع کنم. اگر غیرت شما قبول می‌کند بنده نزد یک وهابی کم بیاورم من حرفی ندارم!!

دوستان عزیز قسم به والله العلی الاعلی و قسم به عصمت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وقتی حالت اضطرار بر انسان عارض می‌شود گفتن آیه شریفه:

(أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوءَ)

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد.

سوره نمل (۲۷): آیه ۶۲

کار را حل می‌کند. بنده احساس کردم در ذهن من نورانیتی ایجاد شد گویا پروژکتوری ده میلیون وات روشن شد به طوری که مطالب همانند آبشار در ذهن من خور می‌کند. بنده مبهوت ماندم، قلم برداشتم و شروع به نوشتن کردم.

بنده در ابتدای کتاب «قصه الحوار الهادی» این ماجرا را مفصل نقل کردم. وقتی که صحبت‌های ایشان تمام شد بنده تک تک شبیهات او را مطرح کردم و پاسخ آن‌ها را برای او بیان کردم. والله او در نهایت جلوی دانشجویان دو دست خود را بلند کرد و گفت: قبول، قبول!!

همچنین مطالبی در مورد شبهه دوم او بیان کردم و او جلوی دانشجویان خود سه مرتبه دست خود را بلند کرد و گفت: قبول، قبول، قبول!!

البته این افراد معاندتر از این هستند، اما حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) آنچه‌ان به گردن او زد که سه مرتبه دست خود را بلند کرد. بنده خودم این شهامت را ندارم که اگر جلوی دانشجویان با کسی بحث کردم و کم آوردم دستم را بلند کنم و قبول کنم!!

البته مقتضای مذهب ما این است، زیرا در مذهب شیعه شبهه‌ای وجود ندارد که وهابیت مطرح کنند و ما پاسخی برای گفتن نداشته باشیم.

در حال حاضر قریب به ۱۵ سال است که من در شبکه‌های مختلف شیعی، وهابی، سنی حضور دارم و بارها گفتم: هر شبهه‌ای دارید مطرح کنید تا ما جواب آماده به شما بدهیم.

ما در طول این هفت سال شاید قریب به هزار مورد از آقایان وهابی سؤال کردیم، اما آن‌ها تا الآن به سؤال ما پاسخ ندادند.

بنده در سال ۱۳۸۲ یا ۱۳۸۳ به طائف رفتم و با مفتی اعظم عربستان سعودی بحث کردم. ایشان گفت: اگر سؤالی دارید بنویسید و برای ما به آدرس ریاض فکس کنید.

بنده به قم آمدم و حدود یازده سؤال طرح کردم و فرستادم، اما آن‌ها پس از گذشت ۱۴ سال هنوز پاسخ ندادند. وهابیت پاسخی برای سؤالات ما ندارند!!

دوستان عزیز و سروران گرامی! والله تالله بالله دعای رسول گرامی اسلام قطعاً به اجابت رسیده است. اگر ما در این زمینه یک قدم برداریم اهل بیت (علیهم السلام) ده‌ها، صدها و هزاران قدم برای ما برمی‌دارند.

من می‌خواهم از شما تقاضا کنم در کارهایتان توسل به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را فراموش نکنید.

پرسش:

استاد عذرخواهی می‌کنم سؤالی داشتم. اولاً من از شما به خاطر بیان مطالب بسیار زیبا تشکر می‌کنم. بنده یکی از بینندگان «شبکه جهانی ولایت» هستم و در فضای مجازی هم فعالیت دارم.

دوستانی که در «شبکه جهانی ولایت» کارشناس و پاسخگوی سؤالات بینندگان هستند مطالب بسیار ارزنده‌ای در فضای مجازی مطرح می‌کند، اما بنده یک انتقاد خدمت شما دارم.

دوستانی که مجری برنامه‌های زنده «شبکه جهانی ولایت» هستند، متأسفانه سریع جوش می‌آورند. از طرف دیگر حربه وهابیت این است که شیعیان را بداخلاق جلوه دهند. شما الآن در داستانی بیان کردید که امیرالمؤمنین یک شخص ناصبی را به علت تعظیم کردن بخشید.

خواهش می‌کنم محبت بفرمایید به دوستان تذکر دهید، البته خودشان می‌دانند اما رعایت نمی‌شود. من قبول دارم که وهابیت بسیار بدزبان هستند و توهین‌های ناروایی به کار می‌برند، اما ما که شیعه هستیم و مسائل اخلاقی را مطرح می‌کنیم بهتر است در برنامه زنده بیشتر رعایت کنیم.

پاسخ:

من در برابر فرمایش شما دستمان را در برابر شیعه بلند می‌کنیم. ما فرمایش شما را قبول داریم و تذکر دادیم و خواهیم داد.

حاج آقا ما روزی پنج الی شش ساعت به برنامه‌های شبکه‌های وهابی گوش می‌دهیم و خون ما از توهین‌های این افراد، فحش‌های رکیکی که به حضرت امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره و مادران ائمه طاهرين به کار می‌برند به جوش می‌آید.

باور کنید اگر حضرت‌عالی یک هفته با ما باشید و این مطالب را بشنوید قطعاً بیشتر از ما عصبانی می‌شوید.

ما بچه شیعه هستیم و زمانی که می‌بینیم این شخص نسبت به حضرت صدیقه طاهره خطبه «نهج البلاغه» را می‌خواند:

«الْمَرْأَةُ شَرُّ كُلِّهَا»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۵۱۰، ح

۲۳۵

و می‌گوید: "حضرت زهرا هم طبق این روایت شر است!!" کارشناسان وهابی سپس در این زمینه یک ساعت حرف می‌زند و باعث می‌شود خون انسان به جوش بیاید و اعصاب انسان به هم بریزد.

فرمایش شما کاملاً متین است و همان‌طور که عرض کردم دست ما بالاست. اشکال شما هزار درصد وارد است.

پرسش:

در فضای مجازی به مطالبی برخورد می‌کنیم که توهین‌هایی به پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین شده است و متأسفانه کارشناسان وهابی به این مطالب دامن می‌زنند. متأسفانه مطالب بسیار رکیکی به دست ما می‌رسد که و ما در جلسات به دوستان عرض می‌کنیم.

استاد معظم فرمودند و بسیار کارشان عالی است. اگر «شبکه جهانی ولایت» در اینترنت هم منتشر می‌شد خیلی خوب بود، زیرا افراد بسیاری ماهواره ندارند.

اگر در فضای مجازی این مطالب تحت عنوان سایت «velayat.tv» پخش شود که افرادی از اینترنت این مطالب را دانلود کنند خیلی خوب است. ببخشید

پاسخ:

البته حاج آقا اگر شما به اینترنت مراجعه کنید و سایت «velayat.tv» را جستجو کنید، این مطالب در طول شبانه روز دائماً منتشر می‌شود. در کشورهای اروپایی و آمریکایی شاید ۸۰ درصد بینندگان ما از طریق اینترنت مطالب را دنبال می‌کنند.

اگر شما در نرم افزار بازار «همراه ولایت» را دانلود بفرمایید می‌توانید مطالب «شبکه جهانی ولایت» را دنبال کنید. بنده در اتاق ماهواره ندارم و به همین خاطر موبایل خود را روشن کردم و تمام برنامه‌ها را به صورت واضح می‌دیدم.

دوستان می‌توانند این مطالب را از طریق اینترنت و گوشی موبایل به سهولت دنبال کنند. اگر اینترنت هم ضعیف باشد، ما گزینه‌ای گذاشتیم که مطالب به صورت صوتی قابل پخش است.

اگر دوستان به سایت «velayat.tv» مراجعه کنند در قسمت گزینه‌هایی که داریم این مطالب به صورت صوتی قابل پخش است. البته این قابلیت در سایت قدیمی «شبکه جهانی ولایت» وجود دارد و در سایت جدید این قسمت را برداشتیم.

پرسش:

فضای ما در ایران محدود است. زمانی که «شبکه جهانی ولایت» در ماهواره برنامه‌هایی منتشر می‌کند خود باید بستری را در فضای اینترنت ایجاد کند که محدودیت دیدن نداشته باشد.

شما در کشورهای خارج خیلی راحت از طریق ماهواره مطالب را می‌بینید. محدودیت اینترنتی ما در ایران مشکل ایجاد می‌کند، اما زمانی که خودتان بستری را برای اینترنت ایجاد کنید می‌توانید فضا را با سرعت بسیار بالا و عالی و آنلاین مشاهده کنید.

پاسخ:

ما این اپلیکیشن را خودمان نوشتیم و این نرم افزار متعلق به خود ماست که مطالب را به صورت عربی، فارسی و آفریقایی منتشر می‌کند.

دوستانی که در صدا و سیما فعالیت می‌کنند از طریق چند شرکتی که فضای اینترنتی را واگذار کرده است قرارداد بسته‌اند و به حول قوه الهی تا آخر امسال این امر هم انجام می‌شود.

پرسش:

توسل به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به ما یاد دهید.

پاسخ:

حضرت فاطمه زهرا اولین شهیده ولایت است. ما مطالبی در این خصوص می‌شنویم، اما حضرت صدیقه طاهره این مصائب را به چشم دیده است. شاید کمتر کسی به اندازه حضرت فاطمه زهرا با مظلومیت حضرت امیرالمؤمنین آشنا باشد.

بنابراین توسل به حضرت فاطمه زهرا خیلی سریع جواب می‌دهد. ما بارها عرض کردم یکی از توفیقاتی که خداوند عالم از باب «یا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا» به ما ارزانی داشته توسل به حضرت فاطمه زهراست.

ما روزی خدمت حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی بودیم؛ ایشان بزرگواری داشتند و گفتند: "توفیقی که شما دارید یا به جهت لقمه پاک پدرتان بود و یا شیر حلال مادرتان بود و یا اینکه کار خیری انجام دادید."

بنده به ایشان گفتم: "حاج آقا مورد چهارمی هم وجود دارد." ایشان گفتند: "آن مورد چیست؟" بنده گفتم: "«یا

مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»!!" ایشان گفتند: "این هم حرفی است!!"

دوستان بنده بیش از سی و پنج سال است که هر شب خانواده را جمع می‌کنم، روزه حضرت فاطمه زهرا را می‌خوانم و می‌خواهم.

دیشب هم که در این شهر بودم به قم زنگ زدم، خانواده جمع شدند، اسپیکر را روشن کردند، ما ذکر مصیبتی برای حضرت فاطمه زهرا خواندیم و سپس استراحت کردیم. بنده از این کار نه نتیجه بلکه نتیجه‌ها دیدم.

شکی ندارم که این راه یکی از بهترین راه‌های تقرب به خداوند عالم، تقرب به حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) است. زمانی که حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) حدیث مشهورشان:

«ولی فی ابنة رسول الله اسوة حسنة»

عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد، نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ص

۸، پاورقی ۲

یا پدر بزرگوارشان که می‌فرماید:

«نحن حجة الله على الخلق، و فاطمة حجة علينا»

عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد، نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ص

۷، باب مقدمة الطبعة الثانية

من از بزرگواران تقاضا می‌کنم تلاش کنند این سنت حسنه را در زندگی ادامه بدهند و از خدا هم بخواهند که توفیق این کار را به آن‌ها عنایت کند. این سنت‌ها چیزی نیست که ما به زور بتوانیم از خداوند متعال بگیریم، زیرا:

تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد

ما می‌توانیم روضه‌هایی که خواندیم یا اشعاری که در رابطه با حضرت فاطمه زهرا را در گوشی موبایل داشته باشیم یا در دفتری بنویسیم و هر شب چندین بیت شعر بخوانیم و خود و خانواده را بگریانیم.

اولین کسی که گریه می‌کند حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است که در بالای قبر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمودند:

«أُمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَأُمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۰، خ

۲۰۲ وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَ رُؤَى عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ فَاطِمَةَ ع

شکی نیست حزن امیرالمؤمنین برای حضرت فاطمه زهرا تا قیام قیامت ادامه دارد. اگر الآن هم امیرالمؤمنین را ملاقات کنید یکی از چیزهایی که در چهره آن بزرگوار مشاهده می‌کنید محزونیت ایشان برای حضرت فاطمه زهراست.

نقل شده است در جنگ صفین یک شب «ابن عباس» حنایی درست کرده بود و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! ریش مبارکتان خیلی سفیده شده است. مقداری حنا بگذارید!!

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: «یا بن عباس!» مگر نمی‌دانی که ما هنوز عزادار فاطمه هستیم و بعد از حضرت فاطمه زهرا حنا استعمال نکردیم!!

اگر خداوند عالم، هزاران سال هم به امیرالمؤمنین عمر می‌داند، آن بزرگوار عزادار حضرت فاطمه زهرا می‌ماندند. جمله آن بزرگوار جمله‌ای عادی نیست، زیرا می‌فرماید:

«أُمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ»

لذا در این مصائب تلاش کنیم هم خودمان گریه کنیم و هم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را بگریانیم.

یکی از رفقا نقل کردند: وقتی از حرم امام رضا (علیه السلام) بیرون می‌آمدم، مرحوم آیت الله طباطبایی صاحب کتاب «تفسیر المیزان» یکی دو سال قبل از رحلتشان می‌رفتند. به ایشان عرض کردم: آقا ما چکار کنیم که امام رضا ما را حاجت روا نکرده از حرم بیرون نکند؟!

علامه طباطبایی با صدای لرزان‌شان گفتند: پسر! برو در گوشه‌ای بنشین، روضه حضرت فاطمه زهرا بخوان، هم خودت گریه کن و هم امام رضا را بگریان. اگر این کار را کردی دست و بال امام رضا را بستی و آن بزرگوار نمی‌گذارد تو بدون حاجت از حرم بیرون بروی!!

لذا دوستان عزیز توسل را فراموش نکنید.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) هرچه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان حضرت ولی عصر بپوشان.

خدایا ما را از یاران خاص حضرت بقیة الله الأعظم قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی آن بزرگوار متصل بفرما.

خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار، شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما.

خدایا حوائج حاجت‌مندان روا نما. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره این جمع و من حقیر هر حاجتی داریم الساعة مقضی الحوائج و قطعی و برآورده قرار بده.

خدایا ما از این محفلی که به نام نامی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تشکیل شده حاجت روا نشده بیرون مبر.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی امیرالمؤمنین خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت در هر لباس و منصبی
هستند بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، صدیقین، صالحین، شهدا بالأخص امام راحل صلوات.